تندیس علی نصیریان در موزه سینما رونمایی شد

■ تندیس علی نصیریان با حضور تعدادی از بازیگران و مدیرعامل موزه سینما در تالار معاصران موزه سینمای ایران رونمایی شد.

گروه فرهنگ و هنر – تندیس علی نصیریان بر اساس نقش آفرینی این بازیگر پیشکسوت در فیلم سینمایی «کمیته مجازات» برگرفته از سریال «هزاردستان» علی حاتمی ساخته شده است.

علی نصیریان بعد از رونمایی از تندیسش در تالار معاصران موزه سینما گفت: حس خوبی از این تندیس به من منتقل شد و از موزه سینمای ایران برای ساخت آن بسیار سپاسگزارم.

وی با یادی از زنده یاد علی حاتمی خاطرنشان کرد: یادم می‌آید علی حاتمی به من گفت دلم می‌خواهد هزاردستان آلبومی از خودت، کشاورز، انتظامی، رشیدی و مشایخی شود و این جمله من را برای پذیرفتن نقش ابوالفتح صحاف مشتاق‌تر کرد.

بازیگر نقش ابوالفتح افزود: دو ماه در گرمای تابستان سر فیلمبرداری برای این نقش بودم. این شخصیت یک صحاف بود که بیماری سل داشت و به خاطر همین بیماری از همسرش جدا می‌شود که این سکانس برای من بسیار جذاب و حس خوبی داشت.

وی همچنین گفت: علی حاتمی اعتقاد زیادی به صدای دوبلور بر روی شخصیت‌های فیلم هایش داشت، زیرا می‌گفت دوبلورها به کیفیت شخصیت‌ها اضافه می‌کنند. ناصر طهماسب دوبله بسیار خوبی برای دو نقش من در هزاردستان و کمال الملک داشت حتی خودش سر صحنه می‌آمد و نگاه می‌کرد، زیرا من ترکی بلد نبودم. البته من معتقدم که بهتر است بازیگر خودش صحبت کند، زیرا یک بُعد از شخصیت بیان و صدا است که اگر آنرا از بازیگر بگیریم به کیفیت لطمه می‌زند.

نصیریان درباره همکاری اش با کارگردان‌ها نیز توضیح داد: شیوه‌ای که برای کارم دارم این است که نظراتم را از وقتی متن را می‌خوانم با کارگردان درمیان می‌گذارم و در مورد فیلم‌های حاتمی نیز به همین شکل بود. البته مرحوم حاتمی خیلی دخالت نمی‌کرد و دست ما را باز می‌گذاشت. اینکه چطور بازی کنیم مربوط به خود بازیگر است و اغلب کارگردان‌ها رئوس و دیالوگ‌ها را کنترل می‌کنند. بازیگری کاری خلاقانه است که در ابتدا بازیگر باید شخصیت را تجسم کند و ابعاد دیگر آن صدا و لحن است.

وی درباره همکاری و مراوداتش با چهره‌های ماندگار از جمله انتظامی، کشاورز، رشیدی و مشایخی نیز گفت: هیچ وقت بین من و همکارانم رقابتی وجود نداشت. یکی از نکته‌های مهم این بود که هیچ وقت باهم وارد حاشیه نمی‌شدیم. همیشه باهم کار می‌کردیم و در مورد نقش هایمان حتی باهم مشورت می‌کردیم. من معتقدم نکته یابی‌ها در گفتگو بوجود می‌آید، زیرا با گفتگو خیلی روابط نزدیکتر می‌شود. درست است که مدرسه بازیگری و کلاس تئاتر رفتم، اما این‌ها درمان درد من نبود، درمان من نشستن با آدم‌هایی همچون فرخ غفاری و فریدون رهنما، منوچهر انور، داوود رشیدی بود که از آن‌ها بسیار آموختم.

نصیریان با بیان اینکه سینما را از داریوش مهرجویی یاد گرفته است، گفت: مهرجویی بسیار باسواد است و من در چند فیلم او حضور داشتم. یکی از باسوادترین، خلاق‌ترین و کاربلدترین کارگردان‌ها است و به گردن سینمای ایران حق دارد. من در اثر تلویزیونی «گاو» هم حضور داشتم که با فیلمی که مهرجویی ساخت بسیار متفاوت بود، زیرا فیلم مهرجویی بسیار خلاقانه ساخته شد و با غلامحسین ساعدی فیلمنامه جدیدی نوشتند.

وی با اشاره به علاقه جوانان به حوزه سینما توضیح داد: بازیگری شوق، وجد و دلبستگی می‌خواهد و متاسفانه زمانه امروز مانند زمانه ما نیست در زمان ما یک سالن کوچک ۹۰ نفره بود که ما التماس می‌کردیم تا مخاطب بیاوریم، نظراتشان را جویا شویم و متوجه اشکالات کارمان بشویم. اولین کلاس تئاتر را در سال ۳۰ رفتم آن زمان ما در خرابه‌های سنگلج تمرین می‌کردیم، اما متاسفانه امروز همه انتظار فرش قرمز دارند.

در ادامه فاطمه معتمد آریا رئیس صنف بازیگران سینمای ایران نیز گفت: در حرفه بازیگری من شاگرد استاد نصیریان هستم. علی نصیریان نماینده یک نسل تکرارنشدنی در بازیگری است. بخش عظیمی از آن مربوط به دوره خاص بازیگری و بخش مهمتر مربوط به خودشان و نسلی است که به این حرفه هویت و شخصیت دادند یعنی از هیچ، چیزی ساختند که شبیه تخت جمشید برای ما در تاریخ فرهنگمان ارزشمند است و مانند یک بنای تاریخی پایه‌هایی را گذاشتند که درحال حاضر من هم به عنوان یک بازیگر شناخته می‌شوم.

وی افزود: علت موفقیت، محبوب بودن و استثنایی بودن آن نسل مربوط به روش، نگرش و پذیرششان از این حرفه است که مثل یک اثر تاریخی، بنایی را برای ما گذاشتند که بسیار ارزش دارد. نمی‌شود نقشی از علی نصیریان را نام ببریم و آنرا دوست نداشته باشیم. وقتی می‌گوییم ایشان نماینده یک نسل تکرارنشدنی هستند به این دلیل است که نمی‌توانیم نقشی را پیدا کنیم که ایشان بد انجام داده باشند.

رضا کیانیان از دیگر میهمانان این برنامه نیز گفت: در ابتدا خوشحالم برای رونمایی از تندیس استاد نصیریان از من دعوت شد و با افتخار در این مراسم حضور پیدا کردم. جدای از همه ارزش‌هایی که علی نصیریان دارد، خودش را به عنوان یک انسان بسیار دوست دارم.

وی ادامه داد: در فیلم «مسخره باز» افتخار داشتم و در خدمت ایشان بودم و اتفاقاتی را دیدم که در سال‌های اخیر کمتر دیده می‌شود. اتفاقاتی که برای نسل ایشان و نسل ما وجود داشت و کم کم درحال محو شدن است. ایشان همیشه زودتر سرصحنه حاضر بود و می‌دانست باید چه کاری انجام بدهند، همیشه شادابی و طراوت خود را حفظ می‌کردند و اگر با او صحبتی می‌کردیم، درباره بازیگری و سوابقش بود که از او بسیار آموختیم.

کیانیان یادآور شد: وقتی فاطمه معتمدآریا می‌گوید علی نصیریان نسل طلایی و تکرارنشدنی است یعنی این نسل اولین نسل تحصیل کرده تئاتر و سینمای ایران هستند. البته قبل از این نسل افراد بسیار اندکی بودند که تحصیل کرده این رشته بودند، اما کسانیکه تحصیل مدرسه هنرهای زیبا را گذراندند در واقع این نسل بودند. این بازیگر افزود:

نصیریان با بیان اینکه سینما را از داریوش مهرجویی یاد گرفته است، گفت: مهرجویی بسیار باسواد است و من در چند فیلم او حضور داشتم. یکی از باسوادترین، خلاق‌ترین و کاربلدترین کارگردان‌ها است و به گردن سینمای ایران حق دارد. من در اثر تلویزیونی «گاو» هم حضور داشتم که با فیلمی که مهرجویی ساخت بسیار متفاوت بود، زیرا فیلم مهرجویی بسیار خلاقانه ساخته شد و با غلامحسین ساعدی فیلمنامه جدیدی نوشتند.

که بازی می‌کند همان آقای نصیریان است و ۴۰ سال پیش هم که بازی می‌کرد باز هم علی نصیریان بود. کیانیان درباره نگاهش به علی نصیریان در سال‌های جوانی خود گفت: برای هر بازیگری آرزو است که با بزرگانی مانند علی نصیریان همبازی باشد. من در سن ۲۱ سالگی از مشهد به تهران آمدم و به دانشکده هنرهای زیبا رفتم تا درس بخوانم. در آن زمان آقای نصیریان گل تئاتر کشور بود که نمایشنامه می‌نوشت، بازیگر بود، کارگردانی انجام می‌داد، درباره بحث‌های تئوریک صحبت می‌کرد و من که تازه وارد دانشگاه شده بودم فکر می‌کردم صدها سال زمان می‌برد تا به بازیگری مانند او برسم که این همه کار کرده و تجربه داشته باشد و اینکه با چنین شخصیتی همبازی شوم بسیار برایم خوشحال کننده بود.

وی ادامه داد: متاسفانه با بعضی بازیگران پیشکسوت بازی نکردم و غم آن بر دلم باقی مانده است و خیلی دوست داشتم بازی کنم. گفتنی است، تندیس استاد علی نصیریان به سفارش موزه سینمای ایران توسط حسین اردستانی طراحی و ساخته شده است. وی گریمور سینما و تلویزیون و مجسمه ساز است که آثارش در خارج از کشورنیز نمایش داده شده است.

داستان

■ فریبا موسوی

زنی بر روی پل

■ با هنرمندان جزیره

از خانه بیرون زد. فکر دعوایی که با زنش کرده بود آزارش می داد...

–من همیشه با تو صادق بودم مازیار... زنی بودم که تو تموم این سال ها هرکاری واسه خوشبختی توکردم، ولی توجز بی توجهی، بی مسئولیتی، و آزار چیز دیگه ای واسم نداشتی! ... دیگه خسته شدم ...جونم به لبم رسیده... دیگه تحمل این جهنمی که برام ساختی رو ندارم...

– خب که چی؟ تحمل نداری که نداشته باش!...چیکار کنم که نداری؟...

پشت فرمان نشست وبی هدف حرکت کرد ... نبش پارک شهر توقف کرد تا هوایی بخورد و قدمی بزند، تا جر وبحث هایی که با زنش کرده بود را فراموش کند. هوا ملایم بود. یک پاکت چیپس خرید و در حال خوردن، شروع به قدم زدن کرد. کمی بعد به گوش رسیدن صدای جیغی بلند، سرعت قدم های مازیار را زیاد کرد. به پیچ تند سنگ فرش پارک که رسید، از لابه لای درختان جثه کوچک و لاغر زنی را دید که با مردی درشت اندام در حال درگیری لفظی بود. مرد بی حرکت ایستاده بود و زن در حالت خشم، باصدای بلند پشت سرهم حرف می زد. مرد دستش را حرکت داد، و با چند انگشت زن را هل داد. زن داخل باغچه پارک پرتاب شد. موهای بلند ، و شال صورتی رنگ زن به تیغ گل ها و بوته های باغچه گیر کرد. وضعیت زن در آن حال، مازیار را حسابی خنداند. پاکت چیپس را به گوشه ای انداخت. با سرعت گوشی را از جیبش بیرون آورد و از پشت شاخه ها مشغول گرفتن فیلم شد. زن به سختی خودش را از میان بوته ها بیرون کشید. شال و گوشه مانتوی خاکستری اش پاره شد... بلندشد. با جیغ و فریاد بر یقه مرد چنگ انداخت. بعد همانطور که به یقه او آویزان بود، شروع کرد به زدن مشت و سیلی به سینه و صورت آن مرد، و بد وبیراه گفتن به او... مرد با یک دست پشت مانتو زن را گرفت. او را کنار کشید و به زمین انداخت. بعد بالای سرش ایستاد و شروع به زدن چند لگد به پهلو و پاهای زن کرد. مازیار دوربین گوشی را روی آن دو زوم کرد. پس از مدتی آن مرد، زن را رها کرد و از محوطه دور شد ...

مازیار گوشی را در جیبش گذاشت. کمی ایستاد، و مکث کرد ... بعد به سمت زن رفت. آهسته جلو رفت و رو به او گفت :

– کمک لازم دارید خانوم؟ می تونم بهتون کمک کنم؟...

زن باصدای که از خشم و درد می لرزید گفت:

– نه آقا... لطفا از این جا برید! ...

مازیار به مسیرش ادامه داد. سیگاری روشن کرد و گوشه لبش گذاشت. خارج از محوطه پارک، برای خرید ساندویچ دلخواهش مسیر کنار بولوار را طی کرد. در حالی که به پل هوایی نزدیک می شد، حرکت زنی سفید پوش روی پل هوایی توجهش را جلب کرد. زن به وسط پل رسید. ایستاد و به پایین پل نگاه کرد. رفتارش عجیب و غیر عادی بود. مثل این بود که ترسیده باشد. مازیار گوشه ای ایستاد و با گوشی شروع به فیلم گرفتن کرد. دوربین را زوم کرد. تصویر مات بود، ولی متوجه شد که آن زن در حال گریه است. با دستمال چشم و بینی اش را پاک می کند، و مرتب پایین را نگاه می کند، و گاهی روی میله خم می شود. مازیار حس کرد که زن در فکر پرت کردن خودش از روی پل است. نگاهی به اطرافش انداخت.کسی متوجه زن نشده بود. همه به راه خودشان ادامه می دادند. زن و شوهری از کنار مازیار رد شدند و نگاهی به روی پل انداختند. مازیار به خیال این که این دو نفر متوجه قضیه شدند، و تصمیم دارند به بالای پل بروند، و نگذارند آن زن خودش را پرت کند، با دوربین آن ها را دنبال کرد، اما آن ها به راه خودشان ادامه دادند و از آن جا رد شدند. آن زن روی میله محافظ خم شد، و سر و بدنش را روی آن میله قرار داد... مازیار مشغول فیلم گرفتن بود ...زن کاملا روی میله خوابیده بود و مازیار منتظر بود، تا کسی به کمک زن برود.کمی گذشت تا این که بالاخره آن زن خودش را از روی پل پرت کرد...ماشین ها متوقف شدند، و مردم جمع شدند...

دوربین گوشی مازیار از هیجانات وعکس العمل های مردم فیلم می گرفت...مازیار جلوتر رفت. به تجمع نزدیک شد. تلاش کرد که جمعیت را بشکافد و جلو برود. فشردگی و ازدحام، در نزدیکی جسد بیشتر می شد، و مازیار به سختی گوشی را از میان جمعیت جلو می برد. لنز دوربین از روی صورت چند نفر رد شد، تا به بالاخره به محدوده سقوط آن زن رسید. مردم دور جسد حلقه زده بودند. پیکر خونین زن رنگ آسفالت سیاه خیابان را قرمز کرده بود. مازیار سعی کرد روی صورت جسد زوم کند. پس از چند ثانیه بی حرکت ماند. آهسته، آهسته، با تعجب و حیرت جلو رفت. روی زمین نشست و دست لرزانش را روی پیکر بی جان همسرش گذاشت.

پژوهشگر قصه‌های بومی هرمزگان:

قصه باید برازنده قامت قصه گو باشد

گروه فرهنگ و هنر –نویسنده و پژوهشگر قصه‌های بومی هرمزگان به سه رکن اصلی ومهم درقصه گویی یعنی قصه، قصه گو و مخاطب اشاره کرد و گفت: قصه‌ها مانند لباس هستند و باید به قامت قصه گو برازنده باشند.

مجید ذاکری در نشست تخصصی انجمن قصه گویی شاخه استان افزود: برای شروع بهتر است قصه‌ای را انتخاب کنید که در وهله نخست خودتان را راضی کند و بزرگ ترین چالشتان این باشد که آیا این قصه با روحیه تان سازگار است و من از عهده روایت آن برمی آیم یا نه؟

وی با اشاره به قالب‌های نگارشی نظیر قصه، داستان، حکایت، قطعه ادبی و شعر گفت: باید بدانید قصه و داستان از هم متفاوتند؛ درقصه توالی زمان داریم و زمان تقریبا مفهومی ندارد.این کارشناس حوزه هنری هرمزگان اظهارداشت: در قصه‌ها شخصیت‌ها یا سفید یا سیاه اند و حوادث خارق العاده اتفاق می‌افتد؛ در حالی که داستان برشی از زمان است و شخصیت‌ها گاهی خاکستری اند.

ذاکری با اشاره به این که قصه گویی هنر بیان و تعریف قصه است به شرح مختصری از اهداف و انواع قصه گویی پرداخت.نویسنده هرمزگانی اظهارداشت: اهداف قصه گویی یعنی چه چیزی با قصه به مخاطب منتقل می‌شود و چگونه می‌توان به اهدافی همچون انتقال تجربه به دیگران، آشنایی با قومیت‌ها و آداب و رسوم دست یافت. ذاکری همچنین به اهداف دیگری همچون کمک به رشد زبانی، پرورش تخیل و رشد درونی و عقلانی بویژه در کودکان، ایجاد عشق و علاقه به ادبیات و پرورش مفاهیمی چون آزادی اشاره کرد. وی افزود: قصه گویی می‌تواند کتابخانه‌ای، اردویی، خانگی، مذهبی، نقالانه و تماشاخانه ای باشد.

نویسنده و پژوهشگر قصه‌های بومی هرمزگان گفت: انتخاب قصه توجه به این نکته ضروری است که بعضی قصه‌ها مناسب داستان بودن هستند، نه قصه گفتن و قصه مناسب برای قصه گویی باید مناسب نقل و گفتن باشند.

وی با اشاره به اهمیت توجه به روحیه مخاطب و تناسب قصه با گروه سنی افزود: قصه گو خالق و آفرینش گر است و باید بتواند با دست خالی هم مخاطبش را با خود همراه کرده و برای این مهم باید به روحیه مخاطبش مسلط باشد. ترانه سرای هرمزگانی افزود: دنیای کودک سرشار از رنگ و نور، ترانه و احساسات و دنیای نوجوان دنیای سوژه‌های جذاب اطرافش مثل کشمکش و هیجان است؛ در هر ۲ گروه باید زمان قصه نه کوتاه و نه بلند باشد و قصه‌های تصویرساز و سوژه هایی که لمس کرده و دیده‌اند باعث لذت و همراهی شان می‌شوند.

این داور جشنواره قصه گویی کانون استان هرمزگان ،در ادامه نشست به ویژگی‌های یک قصه گوی خوب پرداخت و گفت: اصلی ترین دنیای قصه گو دنیای کلمات است، کلمات در قصه مانند آدم‌ها شخصیت دارند و باید در جای خود قرار بگیرند و قصه گو باید بار کلمات را درست ادا کند. ذاکری اظهارداشت: صدای تاثیرگذار، ارتباط چشمی با مخاطب، دست‌ها و حرکات مناسب و به موقع آن‌ها و حافظه قوی از جمله عوامل موثر یک قصه گوی خوب هستند. این نویسنده ادبیات بومی هرمزگان گفت: بازآفرینی در قصه گویی در واقع آفرینش دوباره قصه با انتخاب و بیان صحیح کلمات، صدا، چشم ، دست و حافظه قصه گو است.

آموزش شیوه‌های بازآفرینی قصه‌ها به شکل مجازی ادامه می‌یابدکارشناس مسوول انجمن قصه گویی هرمزگان نیز گفت: این نشست با هدف شناخت اصولی و آموزش شیوه‌های بازآفرینی در قصه‌ها به شکل یک کارگاه چند جلسه‌ای مجازی ادامه خواهدداشت. ناهید پذیرایی افزود: شرکت کنندگان در این سلسه نشست‌ها در پایان به قصه‌های بازآفریده و مناسب نقل دست خواهندیافت. نشست تخصصی انجمن قصه گویی شاخه هرمزگان به همت ناهید پذیرایی کارشناس فرهنگی استان و با حضور مجید ذاکری نویسنده و پژوهشگر قصه های بومی و کارشناس هنری و سینمایی حوزه هنری و نزدیک به ۳۰ مربی فرهنگی هنری و ادبی سراسر استان برگزار شد.

درپایان این نشست شرکت کنندگان به طرح پرسش‌های خود درباره قصه و قصه گویی پرداختند و مدرس نشست با معرفی یک کتاب از کتاب‌های منتشر شده ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از آن‌ها خواست برای شروع بازآفرینی قصه‌ها، برای جلسه بعد انجمن، قصه گویی صوتی کتاب را انجام دهند.

معرفی کتاب

قله‌ها و دره‌ها

نویسنده: اسپنسر جانسون

مترجم: مانی عظیم‌زاده

گروه فرهنگ و هنر –کتاب قله‌ها و دره‌ها، اثر جذاب و خواندنی اسپنسر جانسون، تجربه‌ی رویایی روزهای خوشی و روزهای سخت زندگی است و از بهم پیوستگی و تاثیر تصمیمات ما در شکست‌ها و موفقیت‌هامی گوید.

درباره‌ی کتاب قله‌ها و دره‌ها

برای هر کس در هر کجا طبیعی است که در زندگی و کار قله و دره وجود داشته باشد. شاید جالب باشد بدانید که قله‌ها و دره‌ها فقط زمان‌های خوش و سختی نیستند که برایتان پیش می‌آید. بلکه آن‌ها احساس درونی و پاسختان به پیشامدهای بیرونی نیز هستند. قله‌ها و دره‌ها بهم متصل هستند. اگر امروز که در دوران خوشی قرار دارید، اشتباهی مرتکب شوید، باید انتظار دوران سختی فردا را بکشید. اگر امروز در دوران سختی قرار دارید و تدبیری می‌اندیشید و تصمیمی در راستای بهبود شرایط می‌گیرید، فردا دوران خوش در انتظار شما است. بنابراین به تعبیری می‌توان قله را لحظاتی دانست که قدر آنچه را دارید، می‌دانید. دره لحظاتی است که مشتاق چیزی هستید که از دست داده‌اید. واقعیت این است که همیشه نمی‌توانید بر حوادث بیرونی مسلط باشید. اما می‌توانید با آنچه باور دارید و انجام می‌دهید بر قله‌ها و دره‌های شخصی خود مسلط شوید. اگر تصمیم گرفتید از دره خارج شوید، مسیر خروج را پیدا می‌کنید. چون مسیر خروج زمانی پدیدار می‌شود که تصمیم بگیرید اوضاع را به شکلی متفاوت بنگرید.

کتاب قله‌ها و دره‌ها را به چه کسانی پیشنهادمی‌کنیم

اگر تصمیم گرفتید که کنترل اوضاع زندگی را خودتان بر عهده بگیرید، کتاب قله‌ها و دره‌ها به شما کمک می‌کند.

شرکت آب و برق کیش

آگهی مزایده ۱/۹۹

شرکت آب و برق کیش در نظر دارد بهره برداری از مجموعه رستوران و آشپزخانه خود با تمام تجهیزات و امکانات موجود در آن با هدف تهیه مواد، طبخ و سرویس و توزیع غذای روزانه با کیفیت مناسب برای کارکنان شرکت آب و برق(وسایر مراجعین)را به پیمانکارواجد صلاحیت واگذار نماید

مهلت و نحوه خرید اسناد:

متقاضیان شرکت در مزایده می توانند با واریزمبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب شماره ۳-۹۲۰۷۷۷۱-۷۵۹-۴۱۱۰بانک انصار شعبه مستقل کیش کد ۴۱۱۰ به نام شرکت آب و برق کیش، از صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۴ لغایت ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۴/۳۱ با ارائه کارت ملی و اصل فیش بانکی و معرفی نامه معتبر به نشانی ذیل مراجعه نمایند

مهلت و محل تحویل پیشنهادات مزایده:

پاکت در بسته حاوی پیشنهادات و اسناد و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مزایده می بایستی حداکثر تا ساعت ۱۵ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۷ به محل دریافت اسناد مزایده تحویل گردد

زمان و محل گشایش پاکتهای پیشنهادات:

پاکت های پیشنهادات مزایده در ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۵/۸، در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در جزیره کیش گشوده خواهد شد. حضور نمایندگان پیشنهاد دهندگان در جلسه گشایش پاکتها با هماهنگی کتبی قبلی و ارائه معرفی نامه معتبر و کارت ملی بلامانع است.

نکات قابل توجه:

۱-هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مزایده است.

۲-شرکت آب و برق کیش در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات مختار است.

نشانی محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پاکت پیشنهادات مربوطه:

جزیره کیش-شرکت آب و برق کیش، کدپستی ۷۹۴۱۶-۹۵۴۶۵

تلفن:۳-۴۴۴۲۴۸۸۰(۰۷۶)، فاکس:۴۴۴۲۳۸۱۸(۰۷۶)

امور بازرگانی شرکت آب و برق کیش

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹